

پا تین

فصلنامه طنز و کاریکاتور، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳
تأسیس نشریه طنز صنعتی فارسی زبان در غرب آسیا، اقیانوسیه و شمال آفریقا

چشم به راه تولید

محدودیت انرژی و تأثیر
مخرب آن بر صنعت فولاد

برای تماشای جلد متحرک



اسکن کنید!

به نام خدا

پاتیل

نخستین نشریه طنز و کاریکاتور صنعتی فارسی زبان
در غرب آسیا، اقیانوسیه و شمال آفریقا!

فصلنامه | شماره چهارم
زمستان ۱۴۰۳

ضمیمه **کارخانه**

کاری از **روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه**

صاحب امتیاز: شرکت فولاد مبارکه

مدیر مسئول: محمدجواد براتی

مدیر اجرایی: سجاد امیری فارسانی

سردبیر: پیام پورفلاح

دبیر تحریریه: وحید میرزایی

مدیر هنری: محمدعلی خوشکام

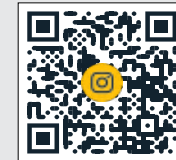
صفحه آرا: سیدمهدی رضوی

ویراستار: وحیده ماهری

همکاران: زهرا حسینی، مریم حسینی

با همکاری شرکت رسانه رویداد پارسی

«پاتیل» را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید:



اینستاگرام پاتیل



تلگرام پاتیل

نشانی:

اصفهان، کیلومتر ۷۵ جاده مبارکه
روابط عمومی فولاد مبارکه

اطلاعات و انتشارات

۰۳۱۵۲۷۳۳۴۸۸

۰۳۱۵۲۷۳۳۴۵۳

۰۳۱۵۲۷۳۳۴۵۱



فهرست

۳ | حرف اول

۴ | آب را گل نکنید

۶ | چیزهایی درباره فولاد که خیلی

هم چیز خاصی نیستند

۸ | رباعیات طنزیست

۱۰ | برق ۱۱م! ۱۲+ نکته برای

صرفه جویی در مصرف برق

۱۲ | با ظرفیت باش مثل فولاد

۱۴ | آسایشگاه صرفه جویی

یعنی ایجاد علاقه کردن

۱۶ | انرژی پاک چیست

و چرا باید از آن استفاده کنیم؟

۱۸ | پاتیل تایم

۲۰ | پاسخ به سؤالات صنعتی صنعتی

۲۲ | هیچ بهانه ای برای ائتلاف انرژی

نیست!

۲۴ | خواستگاری از دریا خانم

۲۸ | هرچی بالا بره بالا می مونه

۳۰ | قصه های فولاد کوچولو و

زخم هایش اپیزود دوم: بحران هویت

۳۲ | چگونه فولادین ورزش کنیم؟



طرح جلد: مجتبی حیدرپناه
پشت جلد: محمدعلی خوشکام-
محمد حمزه ای



حرف‌ها

وید میرزایی

۱- تابستان

نبود که وقتی نفس می کشیم ریه هایمان به جای اکسیژن با استرانسیوم یکی از فلزات سنگین جدول مندلیف مواجه شود. گاز را چرا قطع می کنی دوست عزیز؟ حالا گاز صنایع را چرا قطع می کنی برادر؟

۴- بهار

حقیقتاً از بهار برایتان نگوییم بهتر است. اجازه بدهید یک بهار بگذاریم برایتان بماند. گاهی بهتر است خیلی همش نزنیم.

۵- و دوباره تابستان

یک زمانی هم بود مدرسه ها که تمام می شد واقعاً تابستان می شد. خب که چه؟ حالا که نمی شود. تهش اینجا مال خودمان است. ما به اینجا تعلق داریم و اینجا به ما. شاید ما خودمان فارغ از تمام سوءمدیریت ها بتوانیم مسئولیت خودمان را انجام دهیم. شاید نتوانیم زاینده رود را پر از آب کنیم؛ اما می توانیم با کمی مدیریت مصرف از قطعی آب برخی از همشهریان جلوگیری کنیم. شاید نتوانیم جلوی قطعی برق همه را بگیریم؛ اما بعید نیست با کمی صرفه جویی در مصرف برق حداقل ساعت های خاموشی را کاهش دهیم. خدا را چه دیدید شاید روزی توانستیم زاینده رود و باتلاق گاوخونی را هم پر از آب کنیم یا کاری کنیم چمن های کنار زاینده رود و پارک صفا زرد نشوند و دوباره واقعاً تابستان شود و مردم بیشتر بخندند.

۶- در این شماره از مجله طنز و کارتون پاتیل علاوه بر سوژه های مربوط به صنعت به ویژه صنعت فولاد، به صرفه جویی و مدیریت در مصرف آب و برق می پردازیم. از زاویه ای طنز تا شاید تلنگری به خودمان و شاید فقط شاید مسئولان باشد.

یک زمانی هم بود مدرسه ها که تمام می شد، واقعاً تابستان می شد. تابستان می شد یعنی یک ذره، فقط یک ذره هوا گرم تر می شد، آلوده و زردالوها می رسید، مردم با دوچرخه بیرون می آمدند، زاینده رود بسته نمی شد، آب قطع نمی شد، برق قطع نمی شد، کولر آبی و گازی جایی نداشت، فوکش یک پنکه با پره های آبی وسط خانه تکان می خورد، چمن های کنار زاینده رود و پارک صفا زرد نمی شدند، بوی گرد و خاک باتلاق گاوخونی خشک تا اصفهان نمی رسید و مردم بیشتر می خندیدند.

۲- پاییز

پاییز کلاً یک طوری است که آدم دلش می خواهد خودش را بردارد ببرد یک گوشه ای. یک چایی برای خودش بریزد، خودش را بغل کند، کمی با خودش گپ بزند، دقایقی با خودش درد دل کند، دست های خودش را بگیرد و به خودش نگاه کند و اگر دوست داشت با خودش بغض کند، از این بغض ها که تهش لبخند می شود. پاییز کلاً یک طوری است که آدم هی دلش می خواهد که دلش بخواد. همین جور هر چیزی را می بیند، دلش بخواد. حتی اگر وسط این همه دل خواستن همه چیز بر وفق مراد نباشد، حتی اگر همه چیز یک جوری باشد.

۳- زمستان

اگر دوستان دو دقیقه مازوت نسوزانند، بنزین آلاینده تولید نکنند و یک مقدار محسوس اکسیژن باقی بگذارند که نفس بکشیم، ما در زمستان لذت که نه، کمی زنده بمانیم. یک زمانی زمستان که می شد ما یاد سرما و برف و سفیدی می افتادیم، الان به همت مسئولان هوای آلوده را که نفس می کشیم یاد خدا بیامرز مندلیف و عناصر جدول تناوبی می افتیم. به خدا حقمان این



آب را گل نکنید

تاهید نوری

وضع باران به خدا ناجور است
آب دریای خزر هم شور است
سد لتیان و کرج کم زور است
هر قَدَر هم که شد و مقدور است
آب را گل نکنید!

ای عزیزان که گل این وطنید
عاشق سبزه و باغ و چمنید
همه خوشبو و قشنگ و خفنید
چون که بیزار ز بوی لجنید
آب را گل نکنید!

گرچه انگشت شمارید شما
و فقط مزرعه دارید شما
هندوانه که بکارید شما
پای محصولی که دارید شما
آب را ول نکنید!

آب کشور همه گفتند کم است
شیر اگر باز شده باید بست
چون که اسراف شدیداً بد هست
از شلنگی که گرفتید به دست
آب را ول نکنید!

روزها فکر من اینست اما
مشکل آب شود حل آیا؟
نسل بعد آب ندارد حتی
اگر این مشکل بی آبی را
خوب هندل نکنیم!

داد معشوقه به عاشق پیغام
که تو و عمه پاکیزه و مام
هی نشوید و نسایید مدام
هر دو ساعت نروید هی حمام
کار باطل نکنید!







چیزهایی درباره فولاد

همین جور بی‌خودی شایعه و خبرهای دروغین تولید کرده و در کانال‌های خبری پخش می‌کنند. حقوقشان را هم عموماً آدم‌های دیگر که از خبرها سود می‌برند، پرداخت می‌کنند. در ستون «فیک نیوز» به خبرها، شایعه‌ها و اتفاق‌های بی‌ربطی که در صنعت به همین شکل منتشر می‌شود، می‌پردازیم:

در کشور ما کلاً آدم‌هایی هستند که کارشان تولید خبر و رخدادهایی است که یا وجود ندارد یا عکسش وجود دارد. در واقع شغلشان این است. یعنی صبح که از خواب بیدار می‌شوند، روز را با یاد و نام خدا آغاز می‌کنند، به پدر و مادر خود سلام کرده، سپس مسواک زده و پس از صرف صبحانه، می‌نشینند و

KE NEWS

یک فعال صنعت فولاد:

«در شرایطی که تولید ورق سرد و پوشش‌دار ظرفیت تولید مازاد بر نیاز داخل است، ارز ترجیحی به واردات این محصولات تخصیص داده می‌شود.»

استثناً این خبر نه تنها جعلی و فیک نیست؛ بلکه کاملاً صحیح است. اساساً دوستان مسئول در کشور می‌گردند ببینند چه کالاهایی نیاز بازار کشور نیست، با خودشان می‌گویند «چطور این کالا از قلم افتاده و وارد نکرده‌ایم؟» بعد به خودشان جواب می‌دهند «حالا طوری نشده، چرا خودت را سرزنش می‌کنی مرد. این همه کالای غیرضروری و محصولاتی را که تولید داخل دارد وارد کردید و ارز ترجیحی دادید، کسی از شما تشکر کرد؟ نه. حالا یک ورق سرد و پوشش‌دار از قلم افتاده. همین که الان فهمیدید جای تشکر و قدردانی دارد.» بعد خودشان ادامه می‌دهند «حالا که زود متوجه شدید به سرعت اقدام به تخصیص ارز ترجیحی نموده و هر چه سریع‌تر ورق سرد و پوشش‌دار وارد کنید. نبینم که باز نشستید، منتظر چی هستید، باید پاشید و ارز ترجیحی اختصاص دهید.»

که خیلی هم چیز خاصی نیستند



یک مقام دل سوز صنعت فولاد: صادرات فولاد چین همه بازارها را تهدید می کند

از اتفاق این خبر هم فیک و جعلی نیست. حالا خیلی این خبر را نمی توانیم باز کنیم. یک بار این نوع خبرها را باز کردیم هنوز جایش درد می کند. اما واقعیت این است که چین را دو دقیقه رها کنید همین مجله طنز پاتیل را هم خودش با قیمت کمتر تولید می کند. چین کلا یک حالت بی قراری دارد که نمی تواند یک گوشه بنشیند و چیزی تولید نکند. تا یک چیزی تولید نمی کند انگار توی دلش رخت می شویند، دلش آشوب می شود و می رود سریع تولید کند. آن بندهای خدا اینجوری اند. حالا مسئولان کشور ما هم یک جور دیگرند. مسئولان کشور ما هم تا دو دقیقه ولشان می کنی، می خواهند یک چیزی از چین وارد کنند. یک حالت بی قراری در واردات دارند. حالا دارو را وارد کنند، قطعات حساس را وارد کنند، دوست عزیز ورق فولاد را چه کار داری وارد می کنی؟ این همه کارخانه فولاد داخلی، رها کن عزیزم. دو دقیقه استراحت کن. اصلاً دو دقیقه کاری نکن.





رباعیات طنز زیست

مرتضی نیکوکار

گر چه طنزم کشته شد، نابود شد، بر باد شد
حلقه طنزی ز هم بگسست و دل ناشاد شد
بعد از این در طنز گفتن، همچو فولادم بدان
چون دلیل طنزم اینک، شرکت فولاد شد

شرکت فولاد در مصرف دو چشم باز داشت
صرفه جویی ها به صرف آب و برق و گاز داشت
لیک می دانی که اوج صرفه جویی را کنون
گاه حق الزحمه دادن، بر دو تا طنز داشت

زان طنز سرودم که سری گرم شود
ماندم، نکند مایه آزرَم شود
طنزم چو زر است و زین مثل می ترسم
«زر بر سر فولاد نهی، نرم شود»

گردیده هوای شهرمان آلوده
داده ست به باد دودمانم، دوده
ز آلودگی هواست گر می بینی
فرقی نکند دگر ریه با روده

گفت آب و برق را نسبت چه باشد در میان
کین دو را در یک وزارتخانه بینی هم زمان
گفتمش چون قبض آب و برق تا رؤیت شود
می رود از چشم برق و آب از آن گردد روان

«ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست»
گفتا که در این محیط کی شاید زیست
آلودگی هوا فزون شد ز دویست
مسئول محیط زیست در اینجا کیست



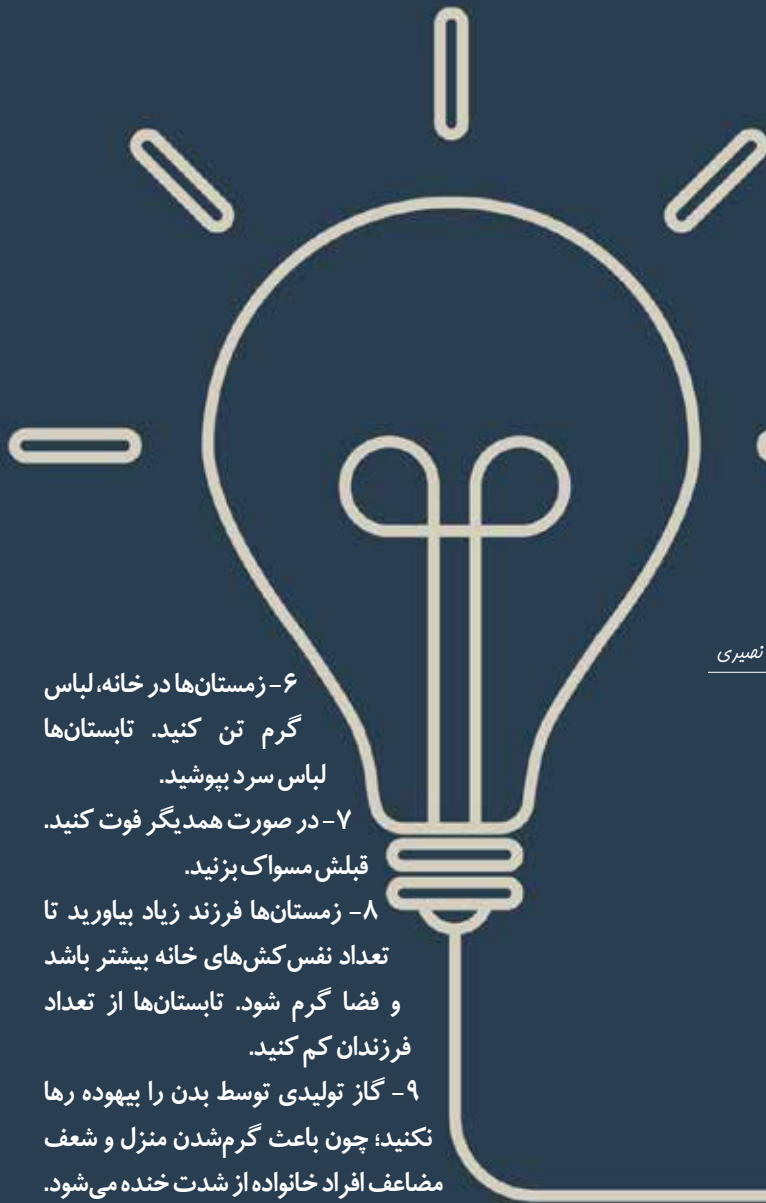
کارتون: نادر زمانی

بی تفاوتی شما، نسل آینده را در تاریکی فرو می برد

برق ااام!

۱۲+۱ نکته برای صرفه جویی در مصرف برق

مهم‌رژانه‌نمیری



۶- زمستان‌ها در خانه، لباس

گرم تن کنید. تابستان‌ها

لباس سرد بپوشید.

۷- در صورت هم‌دیگر فوت کنید.

قبلش مسواک بزنید.

۸- زمستان‌ها فرزند زیاد بیاورید تا

تعداد نفس‌کش‌های خانه بیشتر باشد

و فضا گرم شود. تابستان‌ها از تعداد

فرزندان کم کنید.

۹- گاز تولیدی توسط بدن را بیهوده رها

نکنید؛ چون باعث گرم‌شدن منزل و شعف

مضاعف افراد خانواده از شدت خنده می‌شود.

برای خندیدن کالری زیادی صرف می‌شود و گرمای

خانه افزایش می‌یابد.

۱۰- درز درها و پنجره‌ها را بگیرید. اگر افاقه نکرد، روی آن‌ها تیغه یا پتو

بکشید. طوری باشد که سرما برای بیرون‌رفتن از خانه هیچ راهی نداشته

باشد.

۱۱- اگر طاس هستید که چه بهتر اما اگر مودارید، از ته بتراشید یا آن‌قدر

بهداشت را رعایت نکنید تا بریزد. حالا از کله طاس خود برای روشنایی

منزل استفاده کنید.

۱۲- زمانی که در منزل نیستید، یخچال را از پریز بکشید. برای جلوگیری

از فاسدشدن مواد غذایی، یخچال را خالی نگه دارید.

۱۳- بمیرید؛ چون از قدیم گفته‌اند خاک مرده سرد است و موجب خنکی

شما و کاهش مصرف برق می‌شود.

به فصل خاموشی رسیدیم. ملت فکر کرده‌اند دو سه ماه که رعد و برق آمد، کلی برق پشت سدها جمع شده و دیگر می‌شود با خیال راحت مصرف کرد. اصلاً مصرف سرانه برق ما ایرانی‌ها سه برابر میانگین جهانی است. در اروپا برای آنکه برق به روستاهای دوردست برسد، چراغ‌های ماشین را قبل از ساعت ۱۰ شب روشن نمی‌کنند. در آمریکا که دست‌شویی نمی‌روند مبادا برق و آب مصرف شود یا گرسنه‌شان

شود. چینی‌ها هنوز از نور شمع استفاده می‌کنند و دود چراغ می‌خورند. در روسیه، نوشیدنی‌های غیرمجاز می‌ریزند داخل چراغ گردسوز و دود چراغ می‌خورند که گیرایی‌اش از دود حاصل از سوختن نفت سفید بیشتر است. ما هم باید با هر روشی که بلدیم، مصرف را کم کنیم.

۱- چند نفری زیر یک پنکه سقفی دراز نکشید. به پنکه و کنتور فشار می‌آید.

۲- لامپ‌های اضافه را در اتاق‌ها و حمام خاموش کنید. جن‌ها به نور زیاد حساسیت دارند.

۳- اگر خودروی برقی دارید، پیاده بروید.

۴- تابستان‌ها کفش خود را برق نیندازید.

۵- اگر کولر گازی دارید، زیاد گاز ندهید.



فولاد

با ظرفیت باش مثل

داور نفی

بودیم که صاحبش به جای اینکه نعلش کند جوراب پایش کرده و آقاچون هم که متوجه شده بود مثال‌هایش برای نوه‌های دانشمندش سنگین است، درحالی که مثل جغد زوم صورتش را می‌چرخاند که مبادا نگاه شرمندهمان را از دست بدهد و نتواند مچ بگیرد، دومرتبه گفت: «آقا اصلاً آلومینیم و فولاد رو بی‌خیال، همین‌قدر بگم که مال دنیا ان‌قدری ارزش نداره که آدم به‌خاطرش اعتبار خودش رو پیش بقیه از بین ببره، آدم باید مثل شیر زندگی کنه». الان دیگه متوجه شده بودم جریان چیست با اینکه آقاچون اخلاق درست و درمانی نداشت ولی با این جملاتی که گفت، هرچند ما چیزی از استحاله و نقطه ذوب نفهمیدیم ولی متوجه شدیم که پدربزرگ می‌خواهد درس انسانیت به ما بدهد و کسی که این جملات از دهانش بیرون می‌آید قطعاً خودش فولاد آب‌دیده‌ای است که با این تنش‌ها و حرارت‌ها از پا در نمی‌آید. البته شاید پیرسید تو که مثل اسب به پدربزرگت نگاه می‌کردی و از نقطه ذوب چیزی سرت نمی‌شد پس از کجا درباره تنش و حرارت و فولاد آب‌دیده اطلاعات داری؟ باید عرض کنم که سؤال خوبی بود ولی متأسفانه اسب‌ها نمی‌توانند صحبت کنند پس از جواب‌دادن معذورم. پس داستان را ادامه می‌دهم. پدربزرگ یک جورهایی دلم را قرص کرده بود که اگر مثل شیر اعتراف کنم تنبیهم نخواهد کرد، پس بادی در غبغبم انداختم و مثل یک شیر رو به همه گفتم: «آقاچون راستش من امروز ماشینتون رو بردم بیرون و زدم به درخت، البته نگران نباشید. حس می‌کنم رو رنگ در بیاد. البته به‌جز کاپوت که باید عوض بشه و ستونا که...» هنوز حرفم تمام نشده بود که

ماشین پدربزرگم را به درخت سر کوجه کوبیدم و چون از اخلاق بویی نبرده بودم، ماشین را بدون اینکه کسی بفهد سرجایش گذاشتم و کلید را هم توی جیبش گذاشتم. خیلی آهسته از خانه بیرون رفتم تا کسی متوجه نشود و شب به خانه برگشتم. برخلاف تصورم خبری از دادوبیداد نبود. پدربزرگ همه‌مان را جمع کرد تا موضوعی را برایمان بگوید. می‌دانستم یک دعوای مفصلی داریم ولی چاره‌ای هم نبود؛ چون اگر اعتراف می‌کردم فقط از بقال سر کوجه کتک نمی‌خوردم. پدربزرگ برخلاف تصورم خیلی آرام بود، در حالی که یک کاغذ را که روی آن نموداری کشیده بود نشانمان می‌داد، گفت: «بینین بچه‌ها این نمودار آهن و کربنه. می‌خوام براتون از ظرفیت بگم. آلومینیم توی هفتصد درجه ذوب می‌شه در صورتی که فولاد تازه از خط یوتکتوئید رد می‌شه و شبکه کریستالیش عوض می‌شه». مثل اسبی که به جای یونجه، نارگیل جلوش گذاشته باشند نگاه سفیه اندر عاقلی به پدربزرگ کردیم و منتظر بودیم که این‌گونه ادامه داد: «بین باباچون ما باید یاد بگیریم توی سختی قوی باشیم و اگه ظرفیتمونو بالا نبریم مثل آلومینیم ذوب می‌شیم، ولی همین فولاد رو نگاه کنین، کلی ظرفیتش بالاتره، حتی همون فولاد هم هر بار که در برابر حرارت که اینجا همون سختیان قرار می‌گیره و سرد می‌شه، دونه‌بندی‌ش منظم‌تر می‌شه و نواقضش از بین می‌رن و حتی اگه سریع سرد بشه دونه ریز می‌شه و سختی‌ش می‌ره بالا، شماها باید یاد بگیرین مثل فولاد باشین، مقاومتون بره بالا و هرچقدرم کشیدنتون تسلیم نشین و مردونه به زندگی‌تون ادامه بدین». الان دیگه مثل اسبی



پدر بزرگ مثل بروسلی روی هوا چرخید و عصایش را
طوری کوبید توی سرم که اگر مغز درست و حسابی
داشتم درجا ضربه مغزی می‌شدم. ولی این رسمش
نبود، این همه فلسفه چید و از ظرفیت گفت، پس چرا
کتکم زد؟ وقتی این سؤال را ازش پرسیدم در حالی
که رنگش مثل رب انار شده بود، گفت: «من دیگه از
منطقه الاستیک و پلاستیک و گلوپی شدن رد کردم،
من از وسط به دو نیم تقسیم شدم، از دست شما».
در کل بعد از همه کتک خوردن‌ها متوجه شدم یک
اسب نادان بهتر از یک شیر نالان است.

آسایشگاه صرفه جویی یعنی ایجاد علاقه کردن

موسا ملک زاده

- برچسب انرژی یه چیزیه مثل برچسبای صدآفرینی که دکتر بهمون می‌ده.

- جمشید خان پس کاشکی ماهم تو مصرف قرص صرفه جویی کنیم از امروز.

- آره حالا فوقش چهار روز می‌ریم تو اون اتاق سفیده ولی بعدش که می‌فهمن ما هدفمون صرفه جویی بوده!

- تازه شم اگه واقعاً می‌خوان صرفه جویی کنن چرا آستینای لباسمون انقدر بلنده؟ شاید چون ما توی تیمارستانیم همه چیز برعکسه حتی صرفه جویی!

- نه بابا بیرونشم همین. یادمه دوره یه آقای می‌خواستن بنزین رو هفت برابر گرون کنن؛ اسمش رو گذاشته بودن اصلاح الگوی مصرف سوخت.

- جمشید خان یه چیزی می‌خوام بگم پره‌ای جمع بریزه.

- بگو ببینم چی میگی.

- جمشید خان بقیه رو بی‌خیال، مسئولاً رو بی‌خیال، خودمون با خودمون مهمه چند چند باشیم.

- لعنتی نگن با ما این جوری. پرام، برگام...

- جمشید به نظرت ما واسه اصلاح الگوی مصرف چه کارایی باید انجام بدیم؟ اینا همه ش می‌گن باید صرفه جویی کنیم وگرنه برق آسایشگاه قطع می‌شه.

صرفه جویی یعنی چی جمشید؟

- یعنی ایجاد علاقه کردن. بین مردم و مسئولان. یعنی مسئولان به فکر نباشن ولی ما باید با یه لیوان آب حمام کنیم.

- واسه همین اون آرایشگر خوشگله اومد موهامونو کوتاه کرد؟

- آره دیگه. می‌گن موهات که کوتاه‌تر باشه کمتر آب مصرف می‌شه.

- جمشید چرا دلبر اول پیامش می‌نویسه slm slm یعنی چی؟

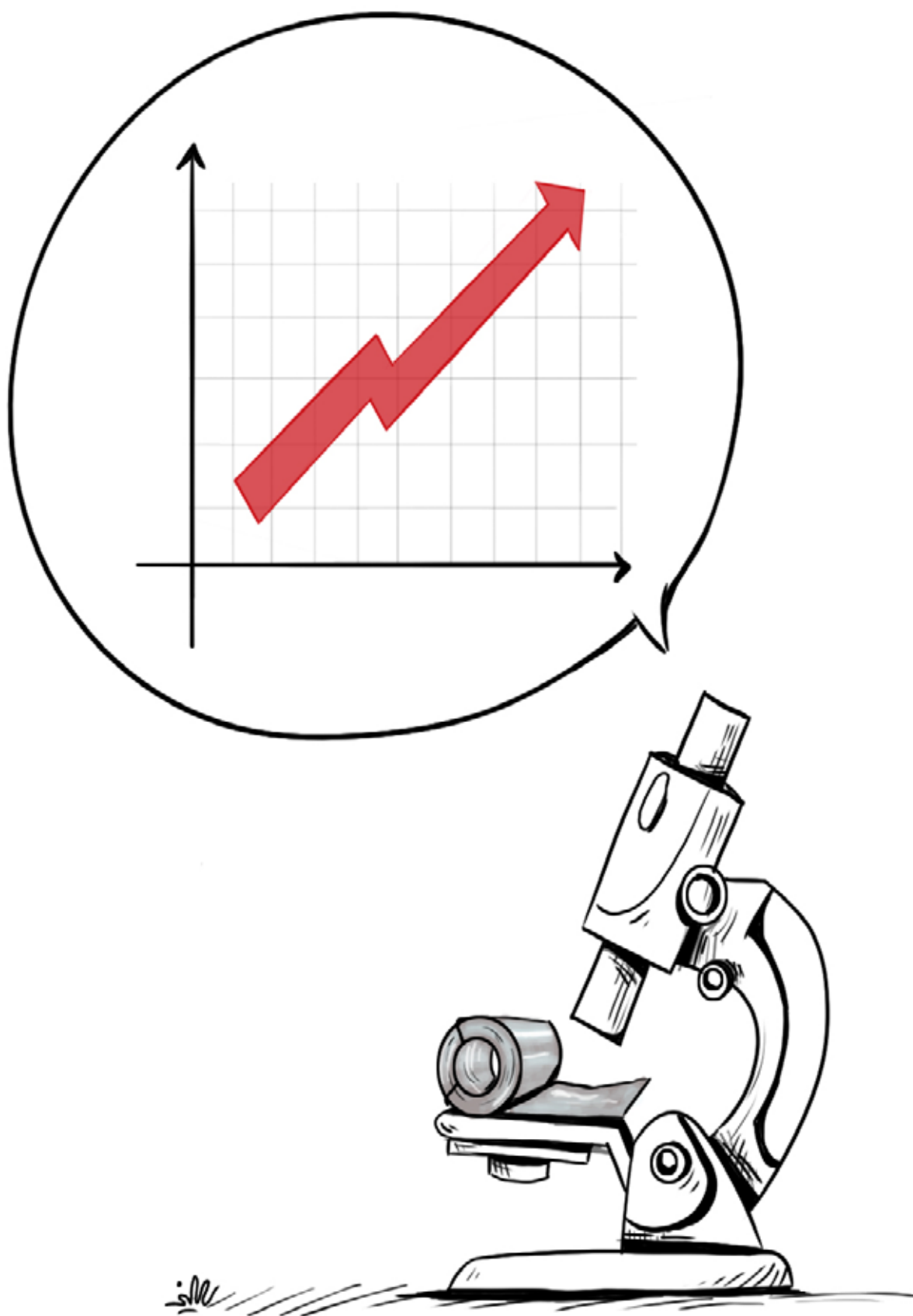
- slm یعنی همون سلام که واسه صرفه جویی در زمان باید این جوری نوشته بشه. الان عصر صرفه جویی. باید تا جایی که می‌شه تو همه چی هی صرفه جویی کرد.

دیگه چجوری می‌شه صرفه جویی کرد؟

- بیرون از آسایشگاه یه جایی هست به اسم بانه. می‌تونیم لوازمون رو از اونجا بخریم با ضمانت شخص ممدآقا. هر برچسب انرژی‌ای هم که بخوای بهت می‌ده. ربع قیمت.

- برچسب انرژی یعنی چی جمشید خان؟





انرژی پاک چیست و چرا باید از آن استفاده کنیم؟

علیرضا لک‌رادر





به نام خدا

موضوع انشای ما درباره انرژی پاک است. پدرمان می گوید همیشه باید از انرژی پاک استفاده کنیم. من همیشه از انرژی پاک استفاده می کنم. یک بار وقتی می خواستم پلی استیشنم را به برق بزنم، دست هایم را شستم که پاک باشند و بعد دو شاخه را به پریز زدم. نمی دانم چه شد که انگار مسی از توی پلی استیشن یک شوت زد توی سرمان و پرتاب شدیم عقب. شاید هم رونالدو بود که از خوش حالی پاک بودن انرژی ما این کار را کرد. ولی بعدش پدرمان گفت «... اینکه انرژی پاک نیست!» آن نقطه چین حرف های خوبی نبود که پدرمان زد و برای اینکه انشای ما برای بچه های کلاس بدآموزی نداشته باشد، آن ها را سانسور کردیم.

بعد پدرمان توضیح داد انرژی پاک به انرژی هایی می گویند که به محیط زیست آسیب نمی زنند. در حالی که هنوز بندری می زدیم، وسط حرف پدرمان پریدیم و پرسیدیم: «یعنی همون انرژی که محسن آقا، شوهر عمه فری، تو سیزده به در بعد از خوردن آش رشته داشت؟ وقتی ما رو روی تاب هل می داد و می گفت گوش هاتون رو بگیرین... مواظب باشین که شاخه درخت ها نشکنه.» پدرمان کمی قرمز شد و گفت نه. انرژی پاک انرژی هایی هستند که تمام نمی شوند و هی تکرار می شوند. دوباره با انرژی وسط حرف پدرمان دویدیم و گفتیم: «پس یعنی انرژی من و امیر پسر خاله شهین که وقتی با هم بازی می کنیم، شماها دعوامون می کنین که چرا از این همه دویدن خسته نمی شین؟ چرا انرژی تون تموم نمی شه؟» این بار پدرمان از قرمزی به بنفشی تغییر رنگ داد و سعی کرد سرمان داد نزنند، چون هنوز اثرات انرژی پاک پریز پلی استیشن درون ما مشغول وول خوردن بود. سپس گفت: «نه، اگه دو دقیقه زبون به دهن بگیري برات توضیح می دم. انرژی پاک مثل انرژی خورشیده که ضرری برای محیط زیست نداره و تموم هم نمی شه...» فوری در جوابش گفتیم: «ولی تو گروه خانوادگی خوندنم که خورشید ۱۰ میلیارد سال دیگه خاموش می شه.» پدرمان به سمت ما نیم خیز شد ولی وسط راه پشیمان شد و دوباره سر جایش نشست و گفت: «اشکالی نداره. یا مثل انرژی باد...» این بار خوش حال حرفش را ادامه دادیم که: «همون باد سیزده به در و شوهر عمه و اینا؟» پدرمان خودش را به نشنیدن زد و گفت: «یا مثل انرژی آب دریا و رودخونه.» این بار خودش ساکت شد تا ما چیزی بگوییم. ولی چیزی به عقلمان نرسید. پدرمان گفت: «می دونی انرژی آب چیه؟» و قبل از اینکه حرفی بزنیم، گفت: «خودم بگم که انرژی آبی ربطی به افتادن شوهر عمه ات تو رودخونه روز سیزده به در نداره.» گفتیم: «اینو خودم می دونم. انرژی آبی به فریادهای جواد نکونام و بهزاد غلامپور و بقیه استقلال ها کنار زمین ورزشگاه می گن.» حدس می زنیم پدرمان خیلی خودش را کنترل کرد، این را از فشاری که به مشت هایش می آورد فهمیدیم. چون پدرمان پرسپولیسی است، خیلی سرخ شده بود. بعد نفس عمیقی کشید و گفت: «انرژی آبی همون انرژی موج های دریا و رودخونه هاست.» با دست دیگرش که مشت نبود جلوی دهانمان را گرفت و فوری ادامه داد: «انرژی گرمای درون زمین هم هست، مثل آب گرمی که پارسال با هم رفتیم. یادته؟» پدرمان که دید نمی توانیم جوابش را بدهیم، دستش را از روی دهانمان برداشت. ما هم گفتیم: «آره یادش به خیر... چقدر آب استخرش داغ بود. هی قل قل می کرد... محسن آقا هم بود. انگار از زیر محسن آقا حباب می اومد بالا.» و دیگر ادامه ندادیم.

در ادامه پدرمان بر ایمان توضیح داد خوبی انرژی پاک این است که هم ارزان تر است، هم هوا را آلوده نمی کند و هم باعث می شود نفت و گاز و درختان برای نسل های بعد هم باقی بمانند. این بود انشای ما درباره تأثیر شوهر عمه ها در انرژی پاک. ما از این انشا نتیجه می گیریم که باید از انرژی پاک استفاده کنیم تا پدرمان بیشتر از این حرص نخورد.

Pastilims

دلال‌های ورق‌های فولادی در صف تخصیصی ارز واردات
تولید کنندگان: دلالتان عزیز کمی شلخته وارد کنید، ما هم یه چیزی تولید کنیم



خسارت جبران‌ناپذیر

قطعی‌های برق به صنعت فولاد

پدرهای ایرانی: ما هم مثل همیشه هر

کمکی برای صنعت فولاد از مون برپاید با

خاموش کردن کولرها انجام می‌دهیم

یکی از مسئولان: اگر می‌خواهیم

صنعت مختل نشود، باید تولید

برق را افزایش دهیم

عدم‌ای از جوانان: تنها برق تولیدی ما،

فقط برق چشاشه!

سرمایه‌گذاری در فولاد، سودآورتر از سکه و طلا

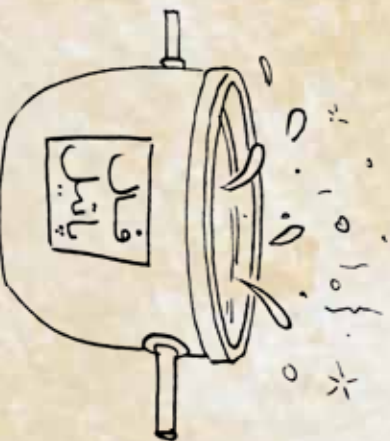
سکه جمع کردن مهم نیست، پروفیت هم مهم نیست، فولاد مهم است

تولید کنندگان فولاد نیاز به ثابت ماندن قیمت ارز و مواد اولیه دارند

یک تولید کننده فولاد خطاب به قیمت دلار: تا آخر ثابت می‌مونی دیگه؟
قیمت دلار: حتماً حتماً می‌مونم و نمی‌گذارم قیمت شما بالا بره.
تولید کننده: ان‌شالا.

فال مسئولان

ناترازی در تولید برق اذیت می‌کند. برق تولیدی تو از برق مصرفی‌ات کمتر شده است. آنقدر ناترازی داری که با از برق کشیده شدن تمام وسایل شهر وندان هم حل نخواهد شد. پس باید بیشتر برق تولید کنی. کمی از ژاپنی‌ها یاد بگیر. آن‌ها را دو دقیقه ول کنی از پیرز قالی هم برق تولید می‌کنند. اصلاً یک چیز را تصور کن از آن نمی‌شود برق تولید کرد، از همان برق تولید می‌کنند. آلترناتیو که می‌دانی یعنی چه؟ یک برنامه آلترناتیو برای حل این مشکل داشته باش. اگر بیشتر تولید نکنی در طلعت افزایش قیمت فولاد و کاهش تولید و چیزهای بد بد دیگر می‌بینم.



کارگردانان عزیز سریال‌های ایرانی

از اینکه آثارتان را مختصر و مفید می‌سازید، یک صحنه راه رفتن عادی و رانندگی کردن بازیگران را بیست دقیقه الکی طول نمی‌دهید و با آب بستن به آن‌ها موجب بالا رفتن مصرف آب و مشکلات برای ما شهروندان نمی‌شوید از شما بسیار متشکریم.

جمعی از شهروندان
دچار مشکل قطعی آب

شهروندان گرامی

نظر به استقبال شما در خرید انواع کالا از داخل متروها و از دست‌فروش‌ها آن را بازار تازهای برای عرضه تولیدات صنایع فولاد و آهن آلات دیدیم. بنابراین به‌زودی شاهد عرضه تیر آهن و محصولات فولادی در مترو خواهید بود که یک‌سوم قیمت کارخانه‌ها برایتان درمی‌آید.
کارت‌خوان هم موجوده، مطمئن باش بشیمون نمی‌شی گلم.

مدیر بازاریابی یکی از
تولید کنندگان صنایع فولادی

پاسخ به سؤالات صنعتی صنعتی

مسام هیدری



دوستان سلام. از آنجا که سؤالات زیاد بی ربط و باریبی برای مجله ما ارسال کرده بودید و ما هم قسم خورده ایم که هر سؤالی را جواب بدهیم و بدون سواد کافی در هر زمینه نظر بدهیم، به چند تا از سؤالات رسیده که به صورت رندوم انتخاب شده و هیچ ارتباطی با هم ندارند، پاسخ می دهیم.

+ سلام. یه صنعت غیر آلاینده هستم. به جون خودم همه چیزم به روزه و حتی استانداردهای جهانی رو دارم رعایت می کنم. چند وقته که از یه شهری خوشم اومده و دوست دارم باهاش هم جوار ی و هم زیستی داشته باشم. چند باری باهاش قرار گذاشتم ولی اون انگار ازم خوشش نمی آد. هر دفعه یه بهونه ای می آره و دنگ کافه رو حساب نکرده، می ذاره می ره. البته اونش مهم نیست، شکر خدا دستم به دهنم می رسه. حاضرم همه هزیننه هاش با من باشه ولی هی بهم نگه تو آلوده ای، تو بو می دی. لطفاً راهنمایی م کنید.

- دوست عزیز سلام. متأسفانه شهرهای این دوره نمونه خیلی گرگ شده ان. همه شون صنایع رو فقط به خاطر پولشون می خوان. به نظرم بدترین تنبیه بی توجهیه. اگه با یه شهر دیگه رفیق بشی و چند بار پیام هاش رو سین نکنی، دو روز نشده خودش برمی گرده پیشت. بگرد همون دور و بر خودت یه شهر کوچیک یا روستا پیدا کن و الکی منت این شهرهای بزرگ رو نکش. اینا سرشون به صد جا گرمه. آره مادر. کلاه تو هم بذار یه وقت نجایی.

+ پنجره های هستم که درزم باز شده و مدام هوای گرم از داخلم به بیرون می ره. هر کاری می کنم هیچ کس منو درز نمی گیرد. اگه همین جوری باز بمونم چی؟ خیلی می ترسم. به دادم برسید.

- عرضم به درزت که اصلاً نگران خروج هوای گرم و هدررفت انرژی نباش. این چیزا همه جا هست. مهم اینه در لحظه زندگی کنی و از هوایی که خارج می شه لذت ببری. فوقش اینه چند تا پنجره دیگه مثل تو هم درزشون باز شده و یک کمی انرژی از بین می ره و گاز در زمستون کم می آد که اون مشکل رو هم با قطع کردن گاز صنایع حل می کنیم. حالا صنعت گاز رو می خواد چه کار کنه؟ دو روز هم کار گرهامون استراحت کنن دو روزه.

+ درختی هستم که یکی از صنایع به خاطر مسئولیت اجتماعی خودش من را کاشته ولی حالا یک سازمان دیگری می‌خواهد من را قطع کند و جایم پاساژ بسازد. می‌گویند پاساژش دوبر می‌شود و سودش خوب است. خیلی باهاش صحبت کردم و حتی ژست مظلومیت و این‌ها هم گرفتم و آهنگ «من به فکر تنهایی‌های پر پرنده‌هام تو بزن تیر بزن» را هم برایش خواندم؛ ولی کنایه موجود در حرف من را نفهمید و نامرد واقعاً تیر زد و محکم‌تر هم زد. راستی راستی دارم قطع می‌شوم. چه خاکی به سرم بریزم؟ لطفاً من را راهنمایی کنید.

- راهنمای خاصی به ذهنمان نمی‌رسد عزیزم. اگر بحث پاساژ دونیش باشد حتماً قطع خواهی شد. تنها کاری که می‌شود کرد این است که دعا کنی رئیس آنجایی که گفتی عوض شود یا ترفیع بگیرد و برود یک جای بهتر. این طوری تا رئیس جدید بیاید و یادش بیفتد که می‌تواند تو را قطع کند و پاساژ دونیش بسازد چند وقتی زندگی خواهی کرد. دعای دیگری که می‌توانی بکنی این است که ماجرا در روال اداری بیفتد و نامه‌نگاری کارهایت طولانی شود و سیستم قطع شود و چند روزی وصل نشود و منشی یادش برود پرونده تو را بگذارد لای پرونده‌های دیگر و یکی دو تا مهر و مدارک کم باشد. به هر حال قطع شدن قطع است. دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. سعی کن از سقوط لذت ببری.

+ سلام، من یکی از صنایع هستم که در جهت انجام مسئولیت‌های اجتماعی خیلی به مسئله ورزش فکر می‌کنم. چندین باشگاه فرهنگی ورزشی درست کرده‌ام. ورزشگاه و سالن ورزشی و استخر و از این جور چیزها ساختم. مسابقات ورزشی برگزار می‌کنم و جایزه‌های خوب هم می‌دهم؛ ولی باز هم سرانۀ ورزش به آن حدی که باید برسد، نمی‌رسد. خیلی نگرانم. به نظرتون چه کار کنم؟

- هیچی عزیزم. یه دقیقه آروم بگیر. نفس بکش. حالا همه چیزمون خوبه و فقط ورزشمون مونده؟ همه مشکلات دنیا رو که تو نباید حل کنی. این شخصیت آرمان‌گرات داره روح رو می‌خوره. یه چند وقتی همه چیز رو بگیر به چرخ‌دنده‌ها. باور کن هیچی بدتر از اینی که هست نمی‌شه.



هیچ بهانه‌ای برای اتلاف انرژی نیست!!







خواستگاری از

گروهی از انرژی‌ها نظیف‌اند
و بعضی از انرژی‌ها کثیف‌اند

بشر داده کثیفی در جهان تفت
چراکه استفاده کرده از نفت

ملول از گاز و از نفتیم ما، چون
به‌شدت در جهان ول کرده کربن

نباشد نفت اصلاً سالم و پاک
چراکه آسمان را داده بر خاک

بشر از بس که غرق سوخت بوده
گرفته کل دنیا چرک و دوده

بود این شرکت فولاد اصولاً
طرفدار محیط‌زیست رسماً

واسه حال طبیعت سینه‌چاکیم
طرفدار انرژی‌های پاکیم

دریا خانم

معرفی استارامهر

دل ما می‌رود خیلی و خیلی
برای سوخت‌های نافسیلی

کند حال جهان را خوب و عادی
انرژی‌های خورشیدی و بادی

اگر خواهی که باشد پاک فردا
انرژی کسب کن از موج دریا

دل من می‌کند بوم‌بوم و بُم‌بُم
واسه خورشید خانم و دریا خانم

بکن از دریا خانم خواستگاری
بگو خورشید رو هم باید بیاری

بیا و نفت را دیگر رها کن
و با این پاک‌بودن‌ها صفا کن





هرچی بالابره

مهری استار امیر

از تعجب دهنّت وای می‌مونه
همه‌چی مثل معما می‌مونه

اسکناسی که بشه تا توی جیب
تا بمونه توی جیب تا می‌مونه

هرچی که پایین بیاد بالا می‌ره
هرچی بالا بره بالا می‌مونه

اون‌قدر طرح یه برنامه بده
هر کی مجری شه تو اجرا می‌مونه

درِ وای مونده رو که دس بزنی
بسته می‌شه، دستت اون لا می‌مونه

هرچقدرم که لاپوشونی کنی
یه کمش بدجوری پیدا می‌مونه

یه‌جا دریاچه داره خشک می‌شه
یه‌جا جنگل کمرش تا می‌مونه

بالا می‌مونه

به محیط‌زیست وقتی بنگری
مگه جای بحث و حاشا می‌مونه

یوزپلنگه داره منقرض می‌شه
باردارم بشه، سر ز می‌مونه

آب نمی‌شه جاری تو زاینده‌رود
جاری هم بشه تو گل‌ها می‌مونه

پیش از این‌ها کی از این فکر می‌کرد
که دما این‌قده بالا بمونه

وسط زمستونیم بدون برق
مٲ کابوس توی لالا می‌مونه

داداشم! آجی جونم! محیط‌زیست
تنها چیزیس که واسه ما می‌مونه

هوای محیط‌زیستو داشته باش
هم‌وطن! وزیر! وکیل! آجی! داداش!



فولاد گفت: «خب تو هم به چیزی از مشکلات بگو که متن با به بار معنایی خوبی به پایان برسه.»

فرهنگ خانم دهنش رو باز کرد که به چیزی بگه که همون لحظه چند نفر وارد شده و اون‌ها رو به سیاهی جنگل راهنمایی کردند. شنیده‌ها حاکی از این‌ه که کلاغه خیلی زودتر از موعد به خونه‌اش رسید و قصه بی‌مزه ما هم به سر رسید.

خب بچه‌های خوبم، درسی که ما از این داستان می‌گیریم این‌ه که وقتی می‌بریم تو جنگل لباس‌های گرم بپوشیم که به وقت نچاییم. از داشته‌هامون لذت ببریم و خیلی هم توی جنگل حرف‌های حاشیه‌ساز نزیم، دو دقیقه اومدیم تو جنگل چهارتا درخت ببینیم، بریم. ول کنین دیگه. همه چی خوبه خدا را شکر. خیلی‌ها همین جنگل رو هم ندارند. خدا رو شکر کنین. خدائگهدارا!

مکالمه‌اش رو ادامه داد: «آهای آهای عمو ماسک جون، من از فولادبودن خسته شده‌م، می‌خوام مثل تو مجازی و استارت‌آپی بشم.»

عمو ماسک که کله‌ش خراب شده بود، خیلی سریع جواب داد: «گل‌خوری چیزی هستی تو؟ مگه از سرعت اینترنت خبر نداری؟ زیرساخت میرساخت به گوشت نخورده؟ نشنیدی عمو گفته می‌خوایم سکوها تونو مصادره کنیم؟»

فولاد کوچولو که از ترس سانسور نمی‌خواست خیلی موضوع رو باز کنه، خیلی زود متنبه شد و این دفعه به مسیر کوتاه‌تر رو انتخاب کرد و فقط با سه تارفت و رفت و رفت رسید به به دختر بدبخت کوزت‌طوری که به گوشه کز کرده بود. فولاد کوچولو گفت: «آهای آهای دختر کوچولو تو کی هستی؟»

دختر جواب داد که: «اگه طبق الگوی احمقانه نویسنده بخوایم پیش بریم، من فرهنگم.»

چگونه فولادین ورزش کنیم؟

علیرضا کاردار

است. در راستای فعالیت‌های شرکت فولاد مبارکه در زمینه گسترش ورزش، چند پیشنهاد هم ما در جایگاه کارشناس می‌دهیم تا هم خدای نکرده کسی فکر نکند لال هستیم و هم مسئولان شرکت از آن بهره‌ها ببرند و اگر دلشان خواست حق مشاوره و ایده‌پردازی ما را هم لحاظ کنند.

یکی از مباحث مهم در صنعت فولاد، ورزش است. ممکن است الان فکر کنید مثلاً برای تولید ورق، پروفیل یا شمش و این چیزها، باید ورزش کار باشیم تا بتوانیم رول‌ها را جابه‌جا کنیم یا دیگ‌های مذاب را سر و ته کنیم یا پروفیل‌ها را خم و راست کنیم. نه! ورزش ربط چندانی به تولید فولاد ندارد. بلکه ورزش یکی از اهداف فولادسازی



تصویر: مهرداد عباسی

فوتبال:

این رشته ورزشی اصلاً اسمش هم شبیه فولاد است. علاوه بر کارهایی که کارخانه فولاد درباره فوتبال انجام می‌دهد، می‌تواند طور دیگر هم در این رشته ورود کند. مثلاً وسایل این ورزش را از فولاد خالص طراحی کند تا بازیکنان به موفقیت‌های بیشتری دست یابند. ساخت کفش فولادی، توپ فولادی، تور فولادی و حتی تیر دروازه فولادی از این موارد هستند. البته برای بازیکنان تیم مقابل. به این صورت هر بازیکن تیم رقیب که بخواهد گل بزند، دخل خودش را می‌آورد.

والیبال:

چون در اسم فولاد و والیبال کلمه «لاو» مشترک است، علاوه بر مسائل قبلی، بهتر است کارخانه فولاد خیلی رمانتیک روی این ورزش سرمایه‌گذاری کند. مثلاً بازیکنان لباس ورزشی فولادی به تن کنند تا وقتی بازیکنی ضربه را خراب می‌کند یا حتی امتیاز می‌گیرد و هم تیمی‌ها می‌خواهند با ضربه‌زدن به بدنش، ابراز محبت کرده و او را تشویق کنند. دستشان به فولاد صیقلی و خنک بخورد و جگرشان حال بیاد و خستگی‌شان در شده و روحیه بگیرند.

کشتی:

شاید مرتبط‌ترین رشته ورزشی با صنعت فولاد همین کشتی باشد. اصلاً اگر کشتی‌گیر مثل فولاد آبدیده، سفت و سخت نباشد که نمی‌تواند پشت حریف را به خاک بمالد. کشتی‌گیرانی که خودشان و دوبنده‌شان با فولاد تقویت می‌شود باید طوری حریف را ضربه‌فنی کنند که نان پدر و شیر مادرش بیاید جلوی چشمش.

دوچرخه سواری:

از آن‌جا که ساخت دوچرخه فولادی خیلی مناسب نیست و ممکن است رکوردزدن یا حتی رکاب‌زدن ورزش کار را سخت کند، پس بهتر است صنعت فولاد با ساخت وسایل جانبی دوچرخه‌سواری به این ورزش ورود کرده و دوچرخه‌سواران را یاری رساند. مثلاً کلاه ایمنی فولادی بسازد یا حتی قمقمه آب. ولی زین فولادی کمی اذیت می‌کند، نسازند.

شمشیربازی، تیر و کمان و تیراندازی:

صنایع فولادی در این سه رشته ورزشی خیلی جای کار دارند. استفاده از وسایل فولادی در این رشته‌ها قطعاً پیروزی ورزش کاران را تضمین می‌کند. ورزش کارانی که از شمشیر فولادی، تفنگ فولادی و تیر فولادی استفاده می‌کنند، به راحتی می‌توانند با رقیبان مبارزه کرده و آن‌ها را به خاک و خون بکشند. حتی دیدنی‌تر از جنگ‌های صلیبی و خشن‌تر از مبارزه‌های گیم آو ترونز.

ورزش‌های رزمی:

و در پایان صنعت فولادسازی کشور می‌تواند از ظرفیت‌های خود برای رشد ورزش‌های رزمی هم به نحو شایسته‌ای استفاده کند. برای مثال اگر شما فیلم‌های رزمی آسیای شرقی، هندی یا حتی هالیوودی را تماشا کنید، می‌بینید که طرفین دعوا از انواع وسایلی که دم دستشان است برای غلبه بر یکدیگر استفاده می‌کنند که صنایع فولاد هم می‌تواند آن ابزار را تولید و در اختیار ورزش کارانش قرار دهد. مثلاً در فیلم‌های هالیوودی، طرف با انواع چاقو و اسلحه با رقیبش مبارزه می‌کند و در فیلم‌های آسیایی با نانچیکو و میله که همه این‌ها را می‌شود با فولاد ساخت. با توجه به فیلم‌های هندی بالیوود هم می‌توان وسایل مبارزه مانند دسته بیل، در چاه فاضلاب یا حتی موز، هسته هندوانه و دمپایی فولادی ساخت تا از این راه به بالا رفتن سطح ورزش کاران رزمی کمک شایانی کرد.



کرتون، طراوت نیکی

بی تفاوتی شما، نسل آینده را در تاریکی فرو می برد



تاسه نشه، روشن نشه

برای روشن شدن چراغ صنعت، همه اجزا مهم‌اند

